

دانلود رایگان جزوه قواعد فقه 2

[برای دانلود فایل اینجا کلیک کنید](#)

بخشی از متن جزوه:

هر گاه کسی به بیع فاسد مالی را قبض کند (باید آن را به صاحبش رد نماید) (و اگر) تلف یا ناقص (شود ضامن) عین و منافع (آن خواهد بود .

(ماده 391 ق.م) مفهوم ضامن بایع :

اگر بعد از قبض ثمن مبیع (کلاً یا جزئاً) مستحق للغير در آید (بایع ضامن است) (اگر چه تصریح به ضامن نشده باشد .

مثلاً : در یک عقد بیع من مال را می فروشم و مبلغ را می گیرم ، بعداً مشخص می شود که مال برای شخص دیگری است . صاحب مال مبیع را پس می گیرد و می رود بایع ضامن ثمن است که به مشتری بدهد.

21

v قاعده اذن :

نکته :

منشاء قواعد غرور و ما یضمن (قرارداد است) .

که به همه اینها موجبات ضامن می

گویند .

و منشاء قواعد اتلاف ، تسبیب ، علی الید (خارج از قرارداد است) .

مسقطات ضامن نیز داریم (یعنی چیزهایی که ضامن را از بین می برند.)

قاعده اذن جزء مسقطات ضامن است (عواملی که باعث سقوط ضامن می شوند) اما قاعده اذن :

➤ حدیثی در مورد اذن وجود ندارد ، ولی از قواعد مهم فقهی و حقوقی است که در مدنی 2 نقش اذن در عقود بیان شده است و فهمیده شد که:

چه در عقود جایز و چه در عقود لازم ریشه و سبب ارتباط امانی بین متصرف و مال از اذن ناشی می شود.

یعنی در عقود لازم غیر انتقالی (مثل اجاره) علاوه بر ماهیت عقد ، یک رابطه ای نیز بین آن فرد و مال ایجاد می شود.

مثلاً : هدف در عقد اجاره انتفاع و مالکیت نسبت به منافع است ، و لازمه آن این است که بر آن مال تسلط داشته باشیم (رابطه مالکانه نیست) بلکه مبتنی بر اذن مالکانه است که امانت از آن بوجود می آید.

بنابراین بین اذن و امانت رابطه مستقیمی وجود دارد.

➤ اذن و اجازه دو مفهومی هستند که گاهی اوقات اشتباهاً به جای هم از آنها استفاده می کنیم .

مثلاً : اگر قبل از اینکه تصرفمان بر مال محرز و مسلم شود ، اگر قبل از اتفاقی اذن از مالک داشته باشیم این تصرف ، یک تصرف ضامنه نیست ،

در حالی که اگر تصرف ما نسبت به یک ملکی واقع شود و تصرف ، تصرف ضمان آوری باشد ، مالک می تواند بعد از حصول تصرف ما را اجازه کند .

چون اجازه می کند از زمان اجازه مسئولیت ما از بین می رود .

➤ در واقع هم اذن و هم اجازه مسقط ضمان هستند ، اما اذن مانع از ایجاد ضمان است ، ولی اجازه مانع از استمرار زمان است.

زمانی اجازه معنا دارد که ضمانی مستقر شده باشد.

v فرق بین اذن و اجازه : اذن قبل از انجام عمل و وقوع تصرف است ، ولی اجازه بعد از انجام عمل و وقوع تصرف است.

بنابراین وقتی که اجازه مطرح می شود یک ضمانتی قبلاً بوده است و حالا اجازه می خواهد آن را بردارد ، اگر ضمانتی در کار نباشد ، اجازه ای هم معنا نخواهد داشت.

∅ لذا تصرف مستأجر در عین مستأجره نیازی به اذن یا اجازه ندارد . چرا ؟ چون تصرفش ، تصرف ضمان آور نیست.

تصرف مستعیر در عاریه نیازی به اجازه ندارد . چرا ؟ چون تصرفش ، تصرف ضمان آور نیست.

اما تصرف فضول در عین مال مورد معامله فضولی نیاز به اجازه دارد و الا آن فرد ضامن است.

❖ اقسام اذن : 1 / اذن صریح 2 / اذن در فحوا 3 / اذن ضمنی

❖ دلالت صریح : در دلالت صریح از دو دلالت مطابقی و تضمنی استفاده می شود.

به رابطه بین لفظ و معنا دلالت گویند (یعنی نسبت بین یک لفظ با معنای خودش را دلالت گویند)

مثلاً : دلالت لفظ انسان بر حسن دلالت مفهوم انسانیت بر مصداق حسن است یا دلالت لفظ انسانیت بر معنای بودن اسم حسن (یعنی رابطه بین حسن و انسان) اگر این رابطه مستقیم و بدون از بین رفتن معنا باشد (دلالت توافقی یا مطابقی گویند) یعنی عین آن معنا بر عین آن لفظ « مطابقت » دارد .

مانند : لفظ اتومبیل بر آن وسیله ای که سوار می شویم.

➤ بنابراین : اگر دلالت لفظ بر معنا کاملاً مطابق بر معنا باشد (دلالت مطابقی) است . همانی که ما به آن اذن صریح می گوئیم.

مثلاً : در عبارت کتاب من را بردار یا استفاده کن ، ما با مفهوم اذن صریح سر و کار داریم.

➤ دلالت تضمینی : چیزی به صراحت گفته نمی شود ولی در ضمن یک مفهومی یک مفهوم دیگری وجود دارد.

مثلاً : وقتی به کسی اجازه می دهید که کیف شما را از اتاق بیاورد یا از لب تاب و کامپیوتر شخصی شما که در اتاق قرار دارد استفاده کند ،

ضمن اجازه استفاده از لب تاب ، اجازه ورود به اتاق را نیز به او داده اید ، و عملاً دلالت ورود و اذن در مورد وارد شدن به اتاق در لفظ شما نبوده است بلکه (استفاده از لب تاب) است که در اتاق شما قرار دارد.

دلالت اذن در ورود به اتاق متضمن استفاده از لب تاب است) و بدون ورود به اتاق استفاده از لب تاب غیر ممکن است (لذا اگر دلالت لفظ بر قسمتی از معنا باشد) دلالت تضمینی (است .

➤ در هر دو دلالت (مطابقی و تضمینی) لفظ صریح وجود دارد.

➤ بنابراین : اذن صریح گرفته شده از دلالت لفظ یا نوشته، به یکی از دو دلالت مطابقی یا تضمینی ؛ مطابقی مانند آن که بگوید : به تو اذن دادم .

تضمینی مانند آن که میزبان به میهمان بگوید : غذا بخور که از آن به طور ضمنی، جواز خوردن هر نوع غذای موجود در سفره استفاده می شود .